



## انطباق مالیات دفتری و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

نداصحرایی برجلو<sup>۱\*</sup> عبدالکریم مقدم<sup>۲</sup>

۱. کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی پرندک (نویسنده مسئول)

۲. دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

ارتباط با نویسنده: Sahraii.n1392@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۵، تاریخ انجام اصلاحات: ۱۳۹۶/۰۵/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۳۱

### THE BOOK-TAX CONFORMITY & EARNINGS MANAGEMENT IN THE TEHRAN STOCK EXCHANGE

Neda Sahraie Borjloo<sup>1\*</sup> Abdolkarim Moghadam<sup>2</sup>

1. Master of Auditing, Institute of Higher Education Parandak (Corresponding author)

2. PhD of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Iran

Email: Sahraii.n1392@yahoo.com

Received 16/07/2017, Revised 18/08/2017, Accepted 22/09/2017

#### چکیده

در اکثر کشورها، بخش عمده ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. ایجاد ساختار مناسب، چه از نظر تدوین قوانین و مقررات مالیاتی و چه از نظر سازمانی، برای فرآیند مالیات ستانی بر مبنای علمی و متکی بر عدالت ضروری است. نظام مالیاتی مطلوب نظامی است که دارای بیشترین آثار اقتصادی مطلوب و مساعد باشد. با توجه به نگرانی در مورد وضعیت مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و نیز انگیزه مدیریت در هموارسازی سود جهت تطبیق آن با وضعیت مالیاتی، در این پژوهش به مطالعه‌ی رابطه‌ی انطباق مالیاتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شامل ۲۳۶ شرکت بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ پرداخته شده است. با استفاده از مدل‌های مدیریت سود جونز تعدیل شده و کاسنیک، نتایج حاصل از آزمون‌های انجام شده نشان می‌دهد که بین انطباق مالیات دفتری با مدیریت سود رابطه‌ی معنادار و مثبتی دارد. به همین جهت، فرضیه انطباق مالیاتی و مدیریت سود قابل پذیرش است.

واژه های کلیدی: انطباق مالیات دفتری، مدیریت سود، جونز تعدیل شده، کاسنیک، تورم



## The book-tax conformity and earnings management in the Tehran Stock Exchange

### Abstract

In most countries, the bulk of government revenues through tax are supplied. Providing an adequate infrastructure, both in terms of legislation and tax regulations and organizational point of view, the process of taxation on a scientific basis and based on justice is necessary. The tax system is an ideal system which has the largest economic effects is favorable. In regard to investors' concerns about the firm tax return and also management incentives in income smoothing, we examine book-tax conformity based on income tax filing and also earnings reports in the annual financial statements. We use the data of 236 listed firms over the period 2010-2015 to test book-tax conformity. The results suggest that there is a positive relationship between book-tax conformity and our proxies for earnings management, Modified Jones model. With adjusting inflation ratio in the research model, results also show that book-tax conformity is a significant connection with another proxy of earning mangamant in Kasznik model.

**Keywords:** book-tax conformity, earning mangamant, Modified Jones, Kasznik, inflation



## ۱. مقدمه

مالیات، از یکسو عنصر اساسی و انکار ناپذیر برای بودجه هر کشور و از سوی دیگر مدیران شرکت ها محسوب می‌شود، هر دو طرف دارای منافع یکسانی نسبت به مالیات هستند، برای شرکت‌ها، کاهنده سود و برای کشورها، منبع درآمد است. بنابراین، مدیران شرکت از رویه‌های مدیریت سود استفاده می‌کنند تا سود خالص خود را که دارای تاثیر مستقیم بر مالیات عملکرد است، تحت کنترل قرار دهند (مولیادی و انوار<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). به همین جهت تطبیق میزان مالیات با سودآوری شرکت و تاثیر آن بر محتوای اطلاعاتی سود گزارش شده برای محققان و نیز سیاست‌گذاران دارای اهمیت بسزایی است (پلاسکو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲، هانلون و هیتزمن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰، بلی لاک و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). با توجه به سودهای مشمول مالیات، نتایج پژوهش ات گذشته گویای آن است که تطبیق مالیات و سود اظهار شده، منجر به کاهش سود مشمول مالیات می‌شود و این امر، حفاظی برای مدیریت شرکت خواهد بود (هانلون و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). مباحث زیادی در مورد مالیات دفتری و مالیات بر درآمد وجود دارد. حامیان این مباحث بر این باورند که افزایش انطباق مالیات دفتری باعث کاهش تناقض‌ها در گزارشگری مالی خواهد شد. از طرف دیگر مدیریت سود با افزایش مالیات، در مقابل موجب کاهش سود گزارش شده به سهامداران نیز می‌گردد (بلی لاک و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین با توجه به اهمیت مالیات و درآمد مشمول مالیات و تأثیرگذاری آن در میزان سود شرکت‌ها، مسأله اصلی این پژوهش، این است که آیا مدیران با دستکاری سود به منظور مدیریت مالیات بر درآمد شرکت هستند یا خیر؟

در ایران با توجه به مقررات حاکم بر مسایل مالیاتی شرکت‌ها، پژوهش اتی متنوعی در این مورد مسایل مالیاتی شرکت‌ها، صورت گرفته است اما ارتباط این دو حوزه کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اهمیت دو موضوع مدیریت سود و تطبیق سود اظهار شده با مالیات، هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی انطباق مالیات دفتری است. همچنین در این پژوهش شاخص تورم و تاثیر آن بر مالیات و مدیریت سود به عنوان آزمون تکمیلی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه مقاله بدین صورت تنظیم شده است: در بخش دوم مبانی نظری و پیشینه پژوهشی مرور شده و در ادامه روش شناسی مطالعه بیان شده است. مدل های انطباق مالیاتی و مدیریت سود

<sup>1</sup> Mulyadi & Anwar

<sup>2</sup> Plasko

<sup>3</sup> Hanlon & Heitzman

<sup>4</sup> Blaylock et al

<sup>5</sup> Hanlon et al

<sup>۶</sup> شایان ذکر است مطالعات صورت گرفته در این ارتباط را می‌توان براساس نظر دو گروه محققان دسته بندی نمود، برخی از محققان موافق دیدگاه فوق هستند و برخی نیز، این انطباق را موجب کاهش محتوای اطلاعاتی گزارش های مالی می‌دانند (هانلون ۲۰۰۸، آوتد و همکاران ۲۰۱۰).



توضیح داده می‌شود. در بخش بعدی نتایج آزمون‌های مدل پژوهش و به دنبال آن آزمون تکمیلی ارائه و تشریح می‌شود و در بخش پنجم به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص یافته و در پایان نیز پیشنهادهای پژوهش ارائه شده است.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش، از میان پژوهش‌های گذشته، به آن دسته از پژوهش‌های تجربی بسنده می‌شود که تفاوت دیدگاه مالیاتی و مدیریت سود را بررسی کرده‌اند. از طرفی با توجه به محدود بودن پژوهش‌های تجربی داخلی در این زمینه، آن دسته از پژوهش‌هایی مورد اشاره قرار گرفته اند تا اندازه‌ای ارتباط موضوعی یا محتوایی با مسئله این پژوهش را دارند. در بین پژوهش‌های صورت گرفته در مورد افزایش انطباق بین درآمد ابرازی و مالیات بر درآمد، برخی از محققان از طرفداران انطباق مالیات دفتری هستند از جمله، هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰)، دسای<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، و ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، گراتز<sup>۲</sup> (۲۰۰۵)، ویتاکر<sup>۳</sup> (۲۰۰۵)، چان و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) و برخی از مخالفان آن، عبارتند از، شاکلفورد<sup>۵</sup> (۲۰۰۶)، هانلون و شولین<sup>۶</sup> (۲۰۰۵)، هانلون و همکاران (۲۰۰۸)، و مک کلند و میلز<sup>۷</sup> (۲۰۰۷). طرفداران مدعی اند که انطباق مالیات دفتری باعث کاهش فرصت‌های مدیریتی خواهد شد. در نقطه مقابل، مخالفان بر این باورند که انطباق، منجر از دست رفتن فرصت ارائه اطلاعات مالی بطور قابل ملاحظه می‌شود، از طرفی اطلاعات مورد نیاز استفاده-کنندگان گزارش‌های مالی و محدودیت‌های مالیاتی باهم متفاوتند. هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰) نیز به عنوان طرفداران انطباق مالیات دفتری با بررسی سایر هزینه‌ها و مزایای بالقوه انطباق مالیات دفتری نشان دادند، تفاوت مالیات دفتری، ارائه اطلاعات در مورد سود جاری و آتی شامل ثبات سود و رشد سود آتی است، به ویژه، نشان دهنده مدیریت سود قبل از مالیات است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> Desai

<sup>2</sup> Graetz

<sup>3</sup> Whitaker

<sup>4</sup> Chan et al

<sup>5</sup> Shackelford

<sup>6</sup> Hanlon and Shevlin

<sup>7</sup> McClelland and Mills

همچنین لانگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، نیز بیان داشتند که افزایش شفاف سازی در شرکت باعث ارتقای انطباق مالیات دفتری می‌گردد. هانلون (۲۰۰۵) از مخالفان انطباق مالیات، در بررسی شرکت‌هایی که تفاوت های مالیات دفتری بسیاری دارند، به این نتیجه دست یافت که شکاف های موجود در اصول پذیرفته شده حسابداری این فرصت را در اختیار مدیران قرار می‌دهد که بدون تحت تأثیر قرار گرفتن سود مشمول مالیات، سود دفتری خود را مدیریت کنند (بلی لاک و همکاران، ۲۰۱۴).

ویم و بوبکر<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) به بررسی چگونگی شکاف بین درآمد قبل از مالیات و درآمد مشمول مالیات ابرازی در زمانی که مدیریت سود و مدیریت مالیات به طور همزمان صورت می‌گیرد پرداختند. آنها در پژوهش خود ابتدا اثر متغیرهای مدیریت سود و مدیریت مالیاتی را به عنوان متغیر های کنترلی بر تفاوت مالیات ابرازی مورد آزمون قرار دادند و نتایج بدست آمده از آن را در مدل پژوهش مورد استفاده قرار دادند. محققان در این پژوهش به این نتیجه دست یافتند که رابطه معناداری بین تفاوت مالیات ابرازی و اقلام تعهدی اختیاری و دستکاری فعالیت‌های واقعی وجود دارد، همچنین به طور قابل توجهی بین تفاوت مالیات ابرازی و متغیرهای مدیریت سود و مدیریت مالیاتی، زمانی که به عنوان جایگزین شاخص های سقف مجاز سود و معافیت مالیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که بین تفاوت مالیات ابرازی و شاخص رای مدیریت ارتباط معناداری وجود دارد که بیانگر این است که تفاوت مالیات ابرازی دارای قدرت پیش بینی کنندگی مدیریت سود و وضعیت مالیاتی شرکت است. در نهایت با توجه به اینکه پژوهش فوق در کشور تونس که یکی از کشورهای در حال توسعه می‌باشد صورت گرفته است این مطلب را نشان داد که شرکتهای تونسی برخلاف کشورهای توسعه یافته در مورد کاهش مالیات نسبت به بهبود کیفیت اطلاعات و افزایش نتایج مالی نگران‌ترند.

برنت و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در بررسی نقش تخصص حسابرس شرکت و گسترش دانش در کاهش مدیریت سود از طریق بررسی حسابهای مالیاتی پرداختند. حسابهای مرتبط با مالیات پیچیده اند و اغلب آخرین حساب‌هایی هستند که در فرایند گزارشگری صورتهای مالی نهایی

<sup>1</sup> Lang et al

<sup>2</sup> Wiem & Boubaker

<sup>3</sup> Brant et al

می شوند. براین اساس این حسابها می توانند به عنوان آخرین شانس از ابزار مدیریت سود استفاده گردند. آنها به دنبال این موضوع بودند که تا چه حد حسابرس متخصص صنعت مدیریت سود را از طریق حسابهای مالیاتی محدود می نماید. آنها دریافتند که تخصص حسابرس از صنعت و همچنین حسابرسی مالیاتی شرکت، مدیریت سود را از طریق حسابهای مالیاتی محدود کرده است و در نهایت به این نتیجه دست یافتند که بهبود خدمات حسابرسی و مالیاتی توانایی مدیر شرکت را برای مدیریت سود از این روش کاهش می دهد. در واقع این مطلب بیانگر این است که گسترش دانش، نقش مهمی را در کاهش فرصت مدیریت سود ایفا می نماید.

بلی لاک و شولین (۲۰۱۲)، در بررسی اجتناب مالیاتی، تفاوت‌های بزرگ موقت مالیات دفتری و پایداری سود را بررسی کردند به این پرسش پاسخ دادند که چرا تفاوت‌های مالیات دفتری به طور موقت، نشانه‌ای مؤثر از پایداری سود، است. طبق مطالعه ایشان منشأ ایجاد تفاوت‌های مالیاتی مرتبط به: (۱) اجتناب از مالیات (۲) مدیریت سود بالا (۳) پایداری ارقام تعهدی است. یافته‌ها حاکی از آن است که در برخی موارد تفاوت مالیاتی حسابداری، نشانه‌ای مؤثر از کیفیت سود است که این امر بستگی به منشأ ایجاد تفاوت‌ها دارد. در مواردی که میزان تفاوت‌ها بیش از حد مرتبط با گزارشگری مالیاتی باشد، پایداری ارقام تعهدی بطور چشمگیری بیشتر است. در مقابل، زمانی که تفاوت‌های بزرگ ناشی از مدیریت سود بالاست، پایداری سود و ارقام تعهدی بطور قابل ملاحظه‌ای کمتر است.

جکسن<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، با بررسی تفاوت مالیات دفتری و رشد درآمد شرکت، تفاوت مالیات دفتری<sup>۲</sup> را به دو دسته موقت و دائمی تقسیم نمود. فرض وی بر این بود که تفاوت مالیات دفتری موقت (منعکس شده در مالیات معوق) با تغییرات آتی در مالیات مرتبط است. شواهد این پژوهش موید این است که تفاوت‌های موقت (شناسایی شده با مالیات انتقالی) به طور منفی با رشد در سود قبل از مالیات مرتبط است، در حالی که تفاوت‌های دائمی به طور منفی با رشد سود مرتبط است، تنها به این دلیل که آنها به طور مثبت با تغییرات هزینه مالیات مرتبط‌اند. وی همچنین به شواهد ضعیفی دست یافت که مدیریت سود بر رابطه بین تفاوت

<sup>1</sup> Jackson

<sup>2</sup> Book – Tax Difference

مالیات دفتری و رشد سود تأثیر می‌گذارد و بیشتر از مدیریت سود، ارقام تعهدی ناخواسته و قوانین مرتبط با ارتباط بین تفاوت مالیات دفتری و رشد سود موثر هستند.

یوسانگ کو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، در بررسی انطباق بین مالیات دفتری و درآمد مشمول مالیات شرکت‌های خانوادگی در کره جنوبی مشخص کردند که شرکت‌های خانوادگی به دلیل عدم تفکیک کنترل و مالکیت، فشار بازار سرمایه کمتری دارند و در نتیجه انگیزه آنها برای مدیریت سود کمتر است. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی تفاوت‌های مالیاتی کمتر و تطابق بیشتری دارند. همچنین تفاوت‌های مالیاتی شرکت‌های فوق در مقایسه با سایر شرکت‌ها رابطه کمتری با مدیریت سود و اجتناب از مالیات دارد.

چن، دالی وال و ترامبلی<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، در بررسی پایداری تفاوت مالیات دفتری و محتوای اطلاعات سود به مطالعه اثر برنامه‌ریزی مالیاتی و مدیریت سود بر میزان آگاهی بخشی سود اظهار شده و سود حسابداری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که تفاوت مالیات دفتری با بررسی تأثیر مدیریت سود و برنامه‌ریزی مالیاتی، با پایداری سود حسابداری و سود مشمول مالیات مرتبط بوده و نیز بر محتوای اطلاعاتی سود حسابداری و سود مشمول مالیات اثر بیشتری دارد. بونتون و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نیز نشان دادند که مجموع تفاوت‌های مالیات دفتری شرکت‌های ایالات متحده آمریکا از ۴۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ به ۳۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ افزایش یافته است، پس از آن به ۴۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ کاهش یافته و دوباره در سال ۲۰۰۳ به ۴۳۶ میلیارد دلار افزایش یافته است، که بیانگر افزایش تفاوت سود مشمول مالیات و سود دفتری در مقاطع زمانی متفاوت است. بلوین و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) بررسی نمودند که آیا برنامه‌ریزی مالیاتی متهورانه می‌تواند پیچیدگی سازمانی و شفافیت گزارشگری مالی را کاهش دهد. آنها به این نتیجه دست یافتند که همزمان با افزایش میزان برنامه‌ریزی مالیاتی متهورانه خطاهای پیش بینی تحلیلگران و پراکندگی این پیش بینی‌ها افزایش خواهد یافت، در حالی که کیفیت ارقام تعهدی شرکت‌ها کاهش می‌یابد. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد که مدیران در تلاش برای کاهش اثر برنامه‌ریزی

<sup>1</sup> Yun sung Koh et al

<sup>2</sup> Chen. Dhaliwal. Trombley

<sup>3</sup> Boynton et al

<sup>4</sup> Blouin et al

مالیاتی متهورانه<sup>۱</sup> به افزایش میزان افشا در صورت‌های مالی اقدام می‌نمایند. دالیول و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) با بررسی این موضوع که آیا تفاوت‌های بین سود دفتری و سود مشمول مالیات نشان دهنده تفاوت در هزینه سرمایه شرکت‌های آمریکایی است؟ به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های مالیات دفتری رابطه مثبت و معناداری با هزینه سرمایه این شرکت‌ها دارد. اریکسن و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) در بررسی این موضوع که شرکت‌ها بابت درآمدهایی که وجود ندارد چقدر پرداختی خواهند داشت به این نتیجه دست یافتند که در بخش‌هایی که بین اصول پذیرفته شده حسابداری و قوانین مالیاتی مطابقت وجود دارد افزایش سود دفتری منجر به افزایش سود مشمول مالیات و بالعکس خواهد شد. بنابراین مدیران باید تصمیم بگیرند که آیا افزایش سود دفتری اهمیت بیشتری برای شرکت دارد یا کاهش سود مشمول مالیات؟ دسای و دارماپالا<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) با بررسی اجتناب‌های مالیاتی شرکت‌ها و نیز بررسی انگیزه‌های آنان به این نتیجه دست یافتند که در موارد عدم انطباق اصول پذیرفته شده حسابداری و قوانین مالیاتی، کاهش سود مشمول مالیات یا افزایش سود دفتری و یا هر دو، منجر به افزایش تفاوت‌های مالیات دفتری شرکت شده و موجب گزارشگری مالیاتی متهورانه خواهد شد. گراس<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) در بررسی گزارشگری مالی شرکت انرون، به این بخش از گزارشگری مالی شرکت انرون توجه نمود که گزارشگری مالیاتی شرکت چه اندازه از دقت و صحت اطلاعاتی برخوردار بود. نتایج بررسی وی مشخص نمود که موارد متعدد تخلف و حساب آرایبی به منظور فرار مالیاتی<sup>۶</sup> توسط مسئولین شرکت انجام شده است. پلسکو<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) در بررسی تفاوت‌های مالیات دفتری و اندازه‌گیری سود شرکت، به این نتیجه رسید که حسابداری مالیاتی و حسابداری مالی در اندازه‌گیری سود، تفاوت‌هایی دارند که ناشی از قوانین و مقررات و استانداردهای ملی و بین‌المللی بوده و تلاش در جهت رسیدن به یک نگاه همسو از نظر گزارشگری نقطه عطف این بررسی است.

<sup>1</sup> Aggressive tax planning

<sup>2</sup> Dhaliwal et al

<sup>3</sup> Erickson et al

<sup>4</sup> Desai & Darmapala

<sup>5</sup> Gross

<sup>6</sup> Tax Evasion

<sup>7</sup> Plesko



در ایران نیز در مورد مالیات دفتری و انطباق با سود شرکت پژوهش های محدودی صورت گرفته است از جمله پژوهش‌هایی که در ایران صورت گرفته است، می‌توان به پژوهش‌های ابراهیمی و احمدی مقدم (۱۳۹۵)، خدای پور و روستایی (۱۳۹۳)، مهرانی و سیدی (۱۳۹۳)، رحمانی و اربابی (۱۳۹۳)، خانی و ولاشانی (۱۳۹۱)، طالب نیا و موثق (۱۳۹۰) و عنایتی زاده (۱۳۸۷) اشاره نمود.

بطور مثال ابراهیمی و احمدی مقدم (۱۳۹۵) تاثیر نرخ موثر مالیاتی بر مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند، نتایج پژوهش، بیانگر رابطه مثبتی بین نرخ موثر مالیاتی و مدیریت سود است. خدای پور و روستایی (۱۳۹۳) ارتباط بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی آن را با نمونه‌ای متشکل از ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی نمودند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه‌ی منفی و معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه در راستای این واقعیت است که هموارسازی درآمد مشمول مالیات، عدم قطعیت مربوط به مزایای مالیاتی آتی را کاهش می‌دهد و این امکان را برای شرکت‌ها فراهم می‌آورد تا استراتژی اجتناب از مالیات موفق‌تری را بکار گیرند. همچنین نتایج، گواه آن است که رابطه‌ی منفی و معنی‌داری بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی آن وجود دارد. به این معنا که هموارسازی درآمد مشمول مالیات، محتوای اطلاعاتی آن را کاهش می‌دهد. محافظه‌کاری و اجتناب مالیاتی از جمله سیاست‌هایی هستند که می‌توانند به منظور انگیزه‌های مالیاتی مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرند که مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) با بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در بین ۱۴۶ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۱، مبین آن است که بین مالیات ابرازی و محافظه‌کاری با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد، به این معنا که اجتناب مالیاتی و محافظه‌کاری ابزارهایی جایگزین برای کاهش مالیات هستند، بطوری‌که با افزایش اجتناب مالیاتی انگیزه محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. علاوه بر این، رابطه منفی بین متوسط مالیات ابرازی سه ساله شرکت و اجتناب مالیاتی بیانگر آن است که شرکت‌ها بیشتر تمایل دارند محافظه‌کاری نمایند و ضمن کاهش سود، صرفه جویی مالیاتی نمایند تا اینکه بوسیله اجتناب مالیاتی مالیات بر درآمد خود را کاهش دهند. خانی و ولاشانی (۱۳۹۱) در بررسی ثبات سود و اقلام تعهدی در شرکت‌های با اختلاف دفتری مالیات، نشان دادند که

ثبات سود جزء تعهدی دوره جاری برای شرکت‌هایی که اختلاف دفتری مالیاتی بالایی نسبت به شرکت‌هایی که اختلاف دفتری مالیاتی پایینی دارند، کمتر است. رحمانی و اربابی (۱۳۹۳) بیان داشتند که یکی از مسائل پیچیده در مبحث مالیات و گزارشگری مالی این است که اصولاً سود حسابداری گزارش شده در صورت سود (زیان) شرکت‌ها با سود مشمول مالیات مطابق با قوانین مالیاتی متفاوت است. به دلیل وجود اختلاف بین استانداردهای حسابداری و قوانین و مقررات مالیاتی و عدم پذیرش مالیات اعلام شده از سوی مقامات مالیاتی، مبلغ سود قبل از مالیات (سود حسابداری) با مبلغ درآمد مشمول مالیات (سود مالیاتی) متفاوت است. لازم به ذکر است محققان فوق با استفاده از تفاوت مالیات ابرازی و تشخیصی به بررسی این موضوع پرداختند. طالب نیا و موثق (۱۳۹۰) در کنکاش علل عمده وجود اختلاف بین سود ابرازی و سود مشمول مالیات، به این نتیجه دست یافتند که فرارهای مالیاتی و اختلاف میان اصول حسابداری و قوانین مالیاتی از عوامل عمده وجود اختلاف بین سود ابرازی و سود مشمول مالیات است. همچنین عنایتی زاده (۱۳۸۷) با بررسی اختلاف بین درآمد مشمول مالیات تعیین شده توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در قالب گزارش حسابرسی مالیاتی و درآمد مشمول مالیات توسط اداره امور مالیاتی، به این نتیجه دست یافت که یکی از علل عمده این امر، اختلافات موجود میان استانداردهای حسابداری و قانون مالیات‌های مستقیم است. بنابراین با توجه به نتایج پژوهش‌های فوق، می‌توان به طور کلی بیان داشت در قوانین و مقررات مالیاتی و استانداردهای حسابداری اقلام تعیین کننده سود از منظر هر کدام متفاوت خواهد بود و از طرفی اختلاف دیدگاه در مورد مالیات بر درآمد بین شرکت‌ها و دولت وجود دارد. تبعات این تفاوت دیدگاه‌ها موجب بروز اختلافات در میزان درآمد مشمول مالیات و مالیات دفتری (ابرازی) از سوی شرکت‌ها با برگه‌های تشخیص و قطعی صادر شده توسط مأموران مالیاتی می‌گردد که این امر می‌تواند ناشی از مدیریت سود توسط شرکت‌ها به منظور کاهش تعهدات مالیاتی باشد.

### ۳. جمع بندی مطالعات و جنبه های نوآوری پژوهش

در جمع بندی مطالعات صورت گرفته شده می‌توان گفت که در تمامی این مطالعات از منظر متفاوت مالیات و سود مورد بررسی قرار گرفته است به طور مثال ابراهیمی و احمدی مقدم (۱۳۹۵) جهت بررسی مدیریت مالیاتی از نرخ موثر مالیاتی استفاده نموده اند در حالی که در

پژوهش حاضر، مدل انطباق مالیاتی مورد استفاده قرار گرفته که با متغیرهای مورد استفاده پژوهش متفاوت است. همچنین در پژوهش رحمانی و اربابی (۱۳۹۳) درآمد مشمول مالیات ابرازی توسط شرکت ها و درآمد مشمول مالیات تشخیصی از سوی سازمان مالیاتی است حال آن که در این پژوهش از متغیر انطباق مالیاتی استخراج شده از مدل انطباق مالیاتی استفاده شده و نیز به بررسی معافیت‌های مالیاتی مورد استفاده شرکتها پرداخته شده است. یکی از مباحث اولیه درباره افزایش انطباق مالیاتی آن است که منجر به دستکاری کمتر گزارش مالی و متعاقباً مدیریت سود کمتر شود. از سوی دیگر، افزایش انطباق باعث کاهش مدیریت سود با حذف تعهدات مالیاتی شده که می توان آن را جهت نظارت بر درآمد، بدون تأثیرگذاری بر درآمد مشمول مالیات بکار برد. این موضوع که افزایش انطباق مالیات منجر به مدیریت سود کمتر می‌گردد، به ندرت در پژوهش های گذشته مورد سؤال قرار گرفته است. با این وجود شواهد تجربی متنوعی و به نسبت جدیدی در این مورد وجود دارد (بلی لاک و همکاران، ۲۰۱۴).

#### ۴. روش شناسی و مدل پژوهش

با توجه به و پیشینه موجود، فرضیه این تحقیق بدین شرح خواهد بود: بین انطباق مالیات دفتری و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد. جامعه پژوهش حاضر تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این جامعه آماری به این دلیل انتخاب شده است که اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران قابل دسترس هستند و به دلیل مقررات خاص بورس اوراق بهادار اطلاعات مالی این شرکت‌ها همگن است، بنابراین تجزیه و تحلیل داده‌ها بهتر انجام می‌شود. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک استفاده خواهد شد. برای انتخاب نمونه‌های مورد نظر، از شرکت‌هایی استفاده شد که دارای ویژگی‌های زیر هستند:

۱. شرکت‌های انتخاب شده از ابتدای سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران عضویت داشته‌اند.

۲. به دلیل مسایل مالیاتی مرتبط با شرکت‌هایی که دوره مالی خود را تغییر داده اند و نیز تغییر در فاصله زمانی ارائه اظهار نامه مالیاتی، مشاهدات مرتبط با این نوع شرکت‌ها در سال تغییر از مجموعه مشاهدات خارج شده اند.
۳. اطلاعات مالیاتی و مالی شرکت‌ها از قبیل مالیات تشخیصی و قطعی، معافیت‌های مالیاتی، تعدیلات سنواتی و... در دسترس باشد.

در این پژوهش سعی شده حداکثر بازه زمانی به روز شده با توجه به محدودیت در بدست آوردن داده‌های مالیاتی در نظر گرفته شود. در نظر گرفتن بازه زمانی مورد نظر به این دلیل است که اطلاعات مالیاتی هر سال حداقل یک سال بعد قطعی و اعلام می‌شود، بنابراین مالیات تشخیصی و قطعی مربوط به سال‌های اول از صورت‌های مالی سال‌های بعدی استخراج شده است. بنابراین با توجه به موارد بند ۱ تا ۳ تعداد ۲۳۶ شرکت انتخاب شدند و برای هر متغیر این پژوهش تعداد ۴۶۳ سال- شرکت، جهت آزمون فرضیه‌های آماری در مدل نهایی مورد استفاده قرار گرفته است.

باتوجه به فرضیه پژوهش، ارتباط انطباق مالیات دفتری و مدیریت سود از نظر وابستگی مبنای و مقررات دولتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، زیرا تأثیر انطباق مالیات دفتری بر واکنش مدیریت سود از نوع پژوهش‌های تجربی است و از آنجایی که نمی‌توان به طور کامل این نوع پژوهش‌های را تحت کنترل قرار داد، بنابراین در حوزه نیمه تجربی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه در این پژوهش رابطه بین تطبیق مالیاتی و مدیریت سود در کنار متغیرهای کنترلی معرفی شده بررسی می‌شود، بنابراین از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در ادامه ضمن آرایه مدل‌های پژوهش، متغیرهای مورد استفاده در آنها، آرایه شده است.

### انطباق مالیات دفتری:

کوال و نوبز<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) بیان داشتند که تطبیق مالیاتی در حوزه قانونی قابل تفسیر است که بیانگر میزان تطابق مالیات با اطلاعات مالی شرکت است چرا که، تفاوت ناشی از شناسایی و اندازه‌گیری عناصر مالی در گزارش‌ها است. در این پژوهش، به پیروی از پژوهش‌ات گذشته اتوود و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) مدل استاندارد زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

<sup>1</sup> Kvaal & Nobes

<sup>2</sup> Atwood

### مدل (۱)

$$CTE = b_0 + b_1 PTBI + b_2 PTBIF + b_3 PTBIC + b_4 DIV + b_5 ADJ + e$$

CTE: مالیات سال جاری، PTBI: مالیات درآمد دفتری دوره قبل، PTBIF: مالیات درآمد دفاتر خارجی شرکت برای شرکت‌هایی که دارای دفاتر خارج از کشور هستند، PTBIC: متغیر مجازی برای شرکت‌هایی که مشمول تلفیق سالیانه بوده اند، DIV: سود تقسیمی طی سال مالی، ADJ: تعدیلات سنواتی دوره قبل. انطباق مالیات دفتری ( $ET_x$ ) از جمله خطا رگرسیون محاسبه می‌گردد.

از آنجایی که پدیده‌ی مدیریت سود به طور مستقیم قابل اندازه‌گیری نیست اهمیت تبیین مدلی مناسب برای کشف و اندازه‌گیری آن آشکار می‌شود هر کدام از دو مدل مدیریت سود جونز تعدیل شده (مدل ۱) و کاسنیک (مدل ۲) به منظور تبیین بهتری از رابطه انطباق مالیات دفتری با مدیریت سود بطور جداگانه به عنوان متغیر مستقل در رگرسیون‌ها قرار می‌گیرند. همچنین جهت افزایش دقت خروجی‌های حاصل از پرازش مدل‌های مدیریت سود شرکت‌های انتخاب شده از ابتدای سال ۱۳۸۲ تا انتهای سال ۱۳۹۴ طی دوره‌ای ۱۲ ساله است. مدل‌های پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

### مدل (۲)

$$EM_1 = \beta_0 + \beta_1 ET_x + \beta_2 INST + \beta_3 FFT + \beta_4 SIZE + \beta_5 CONS + \beta_6 EXCP + \beta_7 LEV + \beta_8 RET + \beta_9 LOSS + \beta_{10} INF + \varepsilon$$

متغیرهای پژوهش به شرح زیر ارائه شده است:

در این پژوهش از مدل جونز تعدیل شده (مدل ۱-۲) و کاسنیک (مدل ۲-۲) برای پرازش مدیریت سود استفاده شده است. خانی و سلطانی (۱۳۹۲) با استفاده از مدل تعدیل شده جونز در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط مثبت و معناداری بین گزارشگری مالی متهورانه و مالیاتی وجود دارد. در نتیجه مدیران می‌توانند در یک دوره مالی سود بیشتری را به سهامداران و سود کمتری را به مقامات مالیاتی اظهار کنند. همچنین در پژوهش صورت گرفته توسط رحمانی و اربابی (۱۳۹۳) نیز از مدل کاسنیک استفاده شده است.

**سهامداران نهادی (INST)**، از تقسیم سهام متعلق به مالکان نهادی بر کل سهام شرکت محاسبه می‌گردد.

به اشخاص حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از سهام عادی شرکت را در اختیار داشته باشند. مؤسسات سرمایه‌گذاری، نهادهای عمومی غیر دولتی و یا سایر شرکت‌های تجاری از جمله سهامداران نهادی محسوب می‌شوند (شرکت اطلاع رسانی بورس ۱۳۸۷).

**سهام شناور آزاد (FFT)**، به نسبتی از سهام یک شرکت که در بازار قابل معامله است و با اهداف مدیریتی توسط سهامداران کنترل‌کننده نگهداری نشده و در فرآیند معاملات حضور دارد، گفته می‌شود.

**اندازه شرکت (SIZE)**، از طریق لگاریتم ارزش دفتری کل دارایی شرکت به دست می‌آید.

**تلفیق (CONS)**، برابر یک است برای شرکت‌هایی که طی سال مالی صورت‌های مالی تلفیقی ارائه داده‌اند و در غیر این صورت صفر. طبق پژوهش وارتین و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، شرکت‌هایی که صورتهای مالی تلفیقی ارائه می‌کنند میزبان تطبیق مالیات با سود اظهار شده، کمتر بوده است.

**معافیت مالیاتی (EXCP)**، برابر یک است برای شرکت‌هایی که دارای معافیت مالیاتی طبق مواد ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۱ مرتبط با قانون مالیاتی مستقیم باشند و در غیر این صورت صفر.

**اهرم مالی (LEV)**، برابر است با جمع کلی بدهی بر جمع دارایی.

**سود (زیان) انباشته دوره قبل (RET)**، برابر است با میزان سود (زیان) انباشته دوره مالی قبل.

با توجه به تعدیلات سنواتی ناشی از تغییر در رویه حسابداری و اصلاح اشتباه مربوط به سنوات قبل که تاثیر خود را در سود و زیان انباشته ابتدای دوره که در واقع همان پایان دوره

<sup>1</sup> Watrin et al

قبل می باشد می گذارد این متغیر به عنوان متغیری کنترلی مورد بررسی قرار گرفته است. که طبق استاندارد حسابداری ۶ ارقام با اهمیت به عنوان تعدیلات سنواتی موجب ارائه مجدد صورتهای مالی می گردد از طرفی در این پژوهش سعی بر این شده است که به ارقام مالیاتی مربوط به تعدیلات سنواتی تاکید گردد.

**زیان (LOSS)**، برابر ۱ است اگر شرکت در دوره جاری زیان گزارش کرده باشد و در غیر این صورت صفر.

**نرخ تورم (INF)**، تورم افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها و یا کاهش مستمر قدرت خرید پول است. که در این پژوهش برای محاسبه آن از شاخص قیمت مصرف‌کننده استفاده شده، که از طریق بانک مرکزی اعلام می‌شود

**مدل تعدیل شده جونز (۱-۲) :** دیچو و همکاران<sup>۱</sup> بیان کردند زمانی که اعمال نظر مدیریت فقط بر درآمد محدود نشده باشد مدل جونز برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی غیر-اختیاری دقیق نخواهد بود آنها شواهدی را کسب کردند که نشان می‌داد مدل تعدیل شده جونز در بین مدل‌های مختلف تخمین ارقام تعهدی اختیاری، بهترین کارایی را دارد و به طور گسترده نیز در پژوهش‌ها مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. در مدل تعدیل شده جونز ارقام تعهدی غیراختیاری در طی دوره رخ‌داد(یعنی دوره‌ای که فرض می‌شود مدیریت سود در آن رخ داده است) تخمین زده شده اند(دیچو و همکاران ۱۹۹۵). مدل تعدیل شده جونز به شرح زیر است :

**مدل (۲-۱)**

$$TAccrt / Assetst-1 = \alpha + \beta 0 1/Assetst-1 + \beta 1 (\Delta Salest - \Delta RECit) / Assetst-1 + \beta 2 PPEt / Assetst-1 + \beta 3 ROAt-1 + \beta 4 SGt + \varepsilon_t$$

مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) است که توسط دیچو و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده است و در آن:

$TAccrt / Assets_{t-1}$  : تفاوت میان سود قبل از ارقام غیرعادی و جریان‌های نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی در دوره جاری

<sup>1</sup> Dechow et al

1- Assets: جمع دارایی‌های در ابتدای دوره مالی،  $\Delta$ sale: تغییرات در فروش،  $\Delta$ Rec: تغییرات در دریافتی‌ها، PPE: ناخالص اموال، تجهیزات و ماشین آلات، ROA: سود خالص تقسیم بر مجموع دارایی‌ها و SG: رشد جاری در فروش‌ها می باشد.

در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه مدیریت سود از الگوی تعدیل شده جونز برای کشف مدیریت سود استفاده شده است. توانایی الگوی جونز و هم‌چنین مدل تعدیل شده جونز در تجزیه صحیح ارقام تعهدی به اختیاری و غیر اختیاری غیر قابل تردید است ولی احتمال طبقه بندی نادرست ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری وجود دارد. در این پژوهش، به منظور سازگاری نتایج پژوهش با محیط ایران، متغیر تغییرات در موجودی کالا به الگوی کاسنیک افزوده شده و در الگوی به دست آمده که با محیط اقتصادی ایران نیز سازگار است. با توجه به اینکه موجودی مواد و کالا در شرکت‌های ایرانی بخش قابل توجهی از دارایی‌های جاری شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد در نتیجه با وجود تورم زیاد در اقتصاد ایران ابزار قابل استفاده‌ای برای مدیریت سود به شمار می‌رود. بر همین اساس در اینجا تغییرات موجودی کالا به الگوی کاسنیک اضافه شده است. فرض بر این است که در موقعیت افزایشی سطح عمومی قیمت‌ها کاهش در موجودی‌های مواد و کالا نسبت به

سال قبل موجب افزایش در درآمدها به صورت اختیاری خواهد شد. بنابراین، تغییرات در موجودی کالا را به تغییرات در درآمدها در الگوی تعدیل شده کاسنیک اضافه خواهیم کرد. با این کار تغییرات در موجودی کالا که فرض شده است اختیاری و تحت کنترل مدیریت است، از ارقام تعهدی غیراختیاری در الگو خارج می‌شود. این الگو، الگوی تعدیل شده کاسنیک (مدل ۲-۲) نام گذاری شده است (بهارمقدم و کوهی، ۱۳۸۹).

## مدل (۲-۲)

$$ACCR_{it} = a_1 + a_2 [\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it} + \Delta INV_{it}] + a_3 PPE_{it} + a_4 \Delta CFO_{it} + \varepsilon_{it}$$

$ACCR_{it}$ : کل ارقام تعهدی،  $\Delta REV_{it}$ : تغییر در درآمد از سال t-1 تا سال t،  $\Delta REC_{it}$ : تغییرات در دریافتی‌ها،  $\Delta INV_{it}$ : تغییر در موجودی مواد و کالا،  $PPE_{it}$ : ناخالص اموال، تجهیزات و ماشین آلات،  $\Delta CFO_{it}$ : تغییر در جریان های نقدی عملیاتی

در این پژوهش برای بررسی رابطه و به منظور تأثیر سایر متغیرهایی که به نحوی در تجزیه و تحلیل مسئله پژوهش مؤثرند از متغیر کنترلی استفاده شده است. متغیر کنترلی این پژوهش



متغیر سهامداران نهادی، سهام شناور آزاد، اندازه شرکت، تلفیق، معافیت مالیاتی، اهرم مالی، سود (زیان) انباشته دوره قبل، زیان و نرخ تورم است.

## ۵. تجزیه و تحلیل داده ها و نتایج تجربی

جدول (۱) خلاصه آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

| متغیرها | میانگین | میانه  | انحراف معیار | چولگی  | کشیدگی | حداکثر | حداقل  |
|---------|---------|--------|--------------|--------|--------|--------|--------|
| ADJJ    | ۰/۰۴۰-  | ۰/۰۰۶- | ۰/۲۰۶        | ۲/۲۳۹- | ۱۰/۲۷۳ | ۰/۴۷۸  | ۱/۱۴۰- |
| CASNIK  | ۰/۰۳۳-  | ۰/۰۰۲- | ۰/۱۷۹        | ۲/۰۶۲- | ۹/۱۷۷  | ۰/۴۲۷  | ۱/۰۵۳- |
| EtX     | ۰/۰۲۷-  | ۰/۰۰۰  | ۰/۰۹۸        | ۳/۴۹۸- | ۲۸/۰۲۴ | ۰/۴۹۴  | ۰/۹۳۹- |
| INST    | ۲۵/۵۸۳  | ۱۱/۶۱۶ | ۳۰/۴۴۵       | ۰/۹۵۲  | ۲/۵۴۸  | ۹۸/۹۷۵ | ۰/۰۰۰  |
| FFT     | ۲۰/۶۸۸  | ۱۸/۲۶۵ | ۱۴/۳۷۷       | ۰/۹۰۱  | ۳/۷۱۳  | ۸۸/۳۳۴ | ۰/۰۲۸  |
| SIZE    | ۶/۰۷۲   | ۵/۹۶۰  | ۰/۶۹۳        | ۰/۷۳۱  | ۳/۴۵۱  | ۸/۲۵۶  | ۴/۴۱۵  |
| CONS    | ۰/۴۵۶   | ۰/۰۰۰  | ۰/۴۹۹        | ۰/۱۷۸  | ۱/۰۳۲  | ۱/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  |
| EXC_132 | ۰/۰۴۳   | ۰/۰۰۰  | ۰/۲۰۴        | ۴/۴۹۴  | ۲۱/۱۹۵ | ۱/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  |
| EXC_138 | ۰/۰۷۳   | ۰/۰۰۰  | ۰/۲۶۱        | ۳/۲۷۱  | ۱۱/۶۹۷ | ۱/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  |
| EXC_141 | ۰/۷۰۶   | ۱/۰۰۰  | ۰/۴۵۶        | ۰/۹۰۶- | ۱/۸۲۰  | ۱/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  |
| LEV     | ۰/۶۰۶   | ۰/۶۱۶  | ۰/۳۰۹        | ۲/۳۳۹  | ۱۷/۵۹۲ | ۳/۰۶۰  | ۰/۰۴۱  |
| RET_AT  | ۰/۱۱۰   | ۰/۱۱۳  | ۰/۲۲۷        | ۵/۲۴۱- | ۴۹/۶۸۱ | ۰/۶۷۳  | ۲/۲۶۲- |
| LOSS    | ۰/۱۱۹   | ۰/۰۰۰  | ۰/۳۲۴        | ۲/۳۵۶  | ۶/۵۵۳  | ۱/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  |
| INF     | ۲۵/۶۰۱  | ۲۱/۵۰۰ | ۶/۳۲۷        | ۰/۰۵۸- | ۱/۶۵۳  | ۳۴/۷۰۰ | ۱۵/۶۰۰ |

منبع: یافته های پژوهش

در جدول (۱) شاخص های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص های پراکندگی از جمله انحراف معیار، کشیدگی و چولگی برای متغیرهای مختلف محاسبه شده است. توزیع

متغیرهای جونز تعدیل شده، کاسنیک، مالیات دفتری، سهامدار نهادی، سهامدار شناور، معافیت ماده ۱۴۱ و سود انباشته دوره قبل به علت کوچک‌تر بودن چولگی از صفر و میانگین از میانه، چوله به چپ است. توزیع سایر متغیرهای پژوهش به علت بزرگ‌تر بودن میانگین از میانه، چوله به راست است. در میان متغیرهای کنترلی بیشترین میانگین به ترتیب مربوط به نرخ تورم، اندازه، سهامدار نهادی و سهامدار شناور می‌باشد و بیشترین انحراف معیار مربوط به نرخ تورم و سهامدار نهادی است. پس از اجرای مدل انطباق مالیات دفتری مقادیر استخراج شده از مدل فوق دارای میانگین ۲- درصد بوده و کمترین و بیشترین میزان به ترتیب ۰/۹۳- و ۰/۴۹- درصد است. میانگین سهامداران نهادی در شرکتها ۱۱/۶۲ درصد بوده است که بیشترین میزان آن ۹۸/۹۸ است. سهام شناور آزاد شرکتها بطور میانگین (میانه) ۲۰/۶۹ (۱۸/۲۷) است که بیشترین میزان آن ۸۸/۳۳ و کمترین آن ۰/۰۳ است. حدود ۴۵ درصد شرکت‌های مورد بررسی صورتهای مالی تلفیقی تهیه کرده اند و ۱۲ درصد شرکتها، زیان گزارش کرده اند. نسبت بدهی بطور میانگین (میانه) ۶۰٪ (۶۱٪) که در مقایسه با پژوهش‌های رحمانی و اربابی (۱۳۹۳) و انصاری و همکاران (۱۳۹۰) به نسبت مقادیر مشابه ای است. در میان متغیرهای کنترلی بیشترین میانگین به ترتیب مربوط به اندازه، سهامدار نهادی و سهامدار شناور می‌باشد و بیشترین انحراف معیار مربوط به نرخ تورم و سهامدار نهادی است. در ضمن شرکتها به طور میانگین ۷۰٪ از معافیت ماده ۱۴۱ استفاده کردند که از میانگین سایر معافیتها (مرتبط با معافیت ماده ۱۳۲ با میانگین ۴ درصد و ماده ۱۳۸ با میانگین ۷ درصد) بیشتر است. در پژوهش مربوط به رحمانی و اربابی (۱۳۹۳) تعداد شرکت‌های مورد بررسی شامل ۳۶۰ شرکت - سال مربوط به ۸ سال (از سال ۸۵ تا ۹۲) بوده، که در آن میانگین روش جونز تعدیل شده و روش کاسنیک یکسان است، در حالی که در پژوهش حاضر میانگین روش جونز تعدیل شده بیشتر از روش کاسنیک بوده است. همچنین بیشترین میانگین و انحراف معیار مربوط به سهامدار نهادی است که با پژوهش باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) که در بین ۴۱۰ مشاهده صورت گرفته است سازگار است. در صورتی که مقادیر میانگین و میانه متغیرها نزدیک به هم باشد، توزیع متغیرها متقارن است. تقارن یکی از ویژگی‌های توزیع نرمال است مقدار چولگی برای متغیر وابسته در مدل- های جونز تعدیل شده و کاسنیک به ترتیب برابر ۲/۲۳- و ۲/۰۶- و مقدار کشیدگی به ترتیب برابر ۱۰/۲۷ و ۹/۷۸ می‌باشد که بیانگر این است که توزیع آن نرمال نبوده است

## جدول (۲) جدول همبستگی پیرسن بین متغیرهای پژوهش

| پارامترها | RES               | EtX               | INST              | FFT               | SIZE              | CONS              | EXC_132           | EXC_138           | EXC_141           | LEV               | RET_AT            | LOSS             | INF            |
|-----------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|------------------|----------------|
| ADJ       | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                  |                |
| EtX       | -۰/۲۱۹<br>+۰/۰۰۰  | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                  |                |
| INST      | -۰/۰۰۸<br>+۰/۸۶۰  | -۰/۰۳۳<br>+۰/۴۷۱  | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                  |                |
| FFT       | +۰/۰۰۲<br>-۰/۹۶۷  | +۰/۰۰۹-<br>+۰/۸۴۱ | -۰/۰۶۲-<br>+۰/۱۸۱ | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                  |                |
| SIZE      | +۰/۱۱۱<br>+۰/۰۱۶  | +۰/۲۵۳<br>+۰/۰۰۰  | +۰/۱۸۸<br>+۰/۰۰۰  | +۰/۰۹۳-<br>+۰/۰۴۵ | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                   |                   |                   |                   |                   |                  |                |
| CONS      | +۰/۰۸۲-<br>+۰/۰۷۶ | +۰/۰۱۲<br>+۰/۷۹۴  | +۰/۰۰۴<br>+۰/۹۳۲  | +۰/۰۱۷<br>+۰/۷۰۷  | +۰/۳۲۱<br>+۰/۰۰۰  | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                   |                   |                   |                   |                  |                |
| EXC_132   | +۰/۰۰۵<br>-۰/۹۱۹  | +۰/۰۷۲-<br>+۰/۱۲۳ | +۰/۰۵۹<br>+۰/۲۰۲  | +۰/۰۶۴-<br>+۰/۱۶۶ | +۰/۰۵۶<br>+۰/۲۳۱  | +۰/۰۰۲-<br>+۰/۹۶۴ | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                   |                   |                   |                  |                |
| EXC_138   | +۰/۰۴۴<br>+۰/۳۴۰  | +۰/۰۵۴<br>+۰/۲۴۲  | +۰/۰۰۶<br>+۰/۸۹۶  | +۰/۱۲۹-<br>+۰/۰۰۵ | +۰/۰۱۴-<br>+۰/۷۷۱ | +۰/۰۹۲<br>+۰/۰۴۸  | +۰/۰۶۳<br>+۰/۱۷۶  | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                   |                   |                  |                |
| EXC_141   | +۰/۰۳۹-<br>+۰/۴۰۱ | +۰/۰۷۵<br>+۰/۱۰۷  | +۰/۰۹۳<br>+۰/۰۴۴  | +۰/۰۰۷-<br>+۰/۰۲۱ | +۰/۲۲۳<br>+۰/۰۰۰  | +۰/۱۳۶<br>+۰/۰۰۳  | +۰/۰۶۷<br>+۰/۱۴۹  | +۰/۰۱۸<br>+۰/۶۹۸  | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                   |                  |                |
| LEV       | +۰/۰۱۱<br>+۰/۸۰۹  | +۰/۱۲۳<br>+۰/۰۰۸  | +۰/۰۲۲-<br>+۰/۶۲۸ | +۰/۰۲۰-<br>+۰/۶۶۷ | +۰/۱۶۷-<br>+۰/۰۰۰ | +۰/۱۴۲-<br>+۰/۰۰۲ | +۰/۰۷۲-<br>+۰/۱۲۲ | +۰/۰۲۴-<br>+۰/۶۱۰ | +۰/۱۳۰-<br>+۰/۰۰۵ | ۱/۰۰۰<br>-----    |                   |                  |                |
| RET       | +۰/۰۴۲-<br>+۰/۳۶۱ | +۰/۰۴۶-<br>+۰/۳۲۱ | +۰/۰۱۰-<br>+۰/۸۲۴ | +۰/۰۱۴-<br>+۰/۰۲۵ | +۰/۱۷۷<br>+۰/۰۰۰  | +۰/۰۶۱<br>+۰/۱۸۷  | +۰/۰۴۸<br>+۰/۳۰۱  | +۰/۰۳۰<br>+۰/۵۲۳  | +۰/۲۳۷<br>+۰/۰۰۰  | +۰/۳۷۹-<br>+۰/۰۰۰ | ۱/۰۰۰<br>-----    |                  |                |
| LOSS      | +۰/۱۰۰-<br>+۰/۰۳۰ | +۰/۱۰۳<br>+۰/۰۲۶  | +۰/۰۱۹-<br>+۰/۶۸۶ | +۰/۰۹۸<br>+۰/۰۳۴  | +۰/۱۱۶-<br>+۰/۰۱۲ | +۰/۰۲۶<br>+۰/۵۶۹  | +۰/۰۷۷-<br>+۰/۰۹۵ | +۰/۰۲۶-<br>+۰/۵۷۷ | +۰/۱۵۸-<br>+۰/۰۰۱ | +۰/۴۸۲<br>+۰/۰۰۰  | +۰/۳۸۴-<br>+۰/۰۰۰ | ۱/۰۰۰<br>-----   |                |
| INF       | +۰/۰۴۰<br>+۰/۳۹۰  | +۰/۱۲۰-<br>+۰/۰۰۹ | +۰/۰۰۱-<br>+۰/۹۸۷ | +۰/۰۶۱<br>+۰/۱۹۲  | +۰/۰۱۸-<br>+۰/۶۹۶ | +۰/۰۲۸-<br>+۰/۵۵۰ | +۰/۰۰۷-<br>+۰/۸۸۸ | +۰/۰۱۲-<br>+۰/۷۹۵ | +۰/۰۲۸-<br>+۰/۵۵۴ | +۰/۰۰۶-<br>+۰/۸۹۸ | +۰/۰۲۶-<br>+۰/۵۷۸ | +۰/۰۰۰<br>+۰/۹۹۵ | ۱/۰۰۰<br>----- |

برای بررسی هم خطی بین متغیرها از ماتریس همبستگی پیرسن استفاده می شود. همان طور که از جدول ۲ مشخص می باشد ضریب همبستگی پیرسن در متغیرهای مالیات دفتری، اندازه، تلفیق و زیان به ترتیب رقم ۰/۲۱۹، ۰/۱۱۱، ۰/۰۸۲- و ۰/۱۰۰- می باشد و از آنجایی که مقدار معیار تصمیم به ترتیب برابر ۰/۰۰۰، ۰/۰۱۶۲، ۰/۰۷۵۶/۰ و ۰/۰۳۰ بدست آمده است و کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، لذا ضریب همبستگی معنادار است. یعنی بین مالیات دفتری، اندازه، تلفیق و زیان با مدیریت سود مدل جونز تعدیل شده همبستگی معناداری وجود دارد. که در مورد متغیر مالیات دفتری و اندازه همبستگی معنادار مثبت و در مورد متغیرهای تلفیق و زیان همبستگی معنادار منفی است. سایر متغیرها با مدیریت سود همبستگی معناداری ندارند. نتایج دیگری که می توان به آن اشاره کرد، همبستگی معنادار مثبت متغیر اندازه با مالیات دفتری، سهامدار نهادی و سهامدار شناور و همچنین همبستگی معنادار تلفیق با اندازه است. همبستگی معنادار معافیت ماده ۱۳۸ با سهامدار شناور و تلفیق وجود دارد. معافیت ماده ۱۴۱ با سهامدار نهادی، شناور، اندازه و تلفیق همبستگی معناداری دارد. زیان با تمام متغیرها به جز متغیرهای سهامدار نهادی، تلفیق و معافیت ماده ۱۳۸ همبستگی معناداری دارد.

## نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

ابتدا مدل مناسب از میان مدل ها (مدل ادغام شده، مدل با اثرات ثابت و یا مدل با اثرات تصادفی) انتخاب گردیده و سپس رگرسیون برای بیان رابطه انطباق مالیات و مدیریت سود در مدل های جونز تعدیل شده و کاسنیک به طور جداگانه بررسی شده است. همچنین به منظور تکمیل نتایج پژوهش آزمون های دیگری نیز صورت گرفته است که در آزمون تکمیلی به طور مجزا تأثیر نرخ تورم در مالیات دفتری نیز مورد آزمون قرار گرفته است که نتایج آزمون چاو و هاسمن برای تشخیص مدل مناسب، مدل های مدیریت سود و آزمون تکمیلی در جدول ۳ ارائه گردیده است.

مقادیر احتمال آزمون چاو در مدل های (۱) و (۲) کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین مدل مورد استفاده دارای اثرات جداگانه ای برای شرکت ها هستند. مقادیر برای آزمون هاسمن کمتر (بیشتر) از ۰/۰۵ است بنابراین مدل مورد استفاده به ترتیب با اثرات تصادفی و با اثرات ثابت است. احتمال معنی داری F برای هر دو مدل پژوهش برابر ۰/۰۰ است، این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد رد می شود، یعنی در سطح

اطمینان ۰/۹۵ درصد مدل معناداری وجود دارد. میزان ضریب تعیین به ترتیب برای مدل جونز تعدیل شده ۰/۸۷ و کاسنیک ۰/۹۰ می باشد، یعنی در حدود به ترتیب ۸۷ و ۹۰ درصد از متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل بیان می گردد. لازم به ذکر است که در پژوهش خانی و سلطانی (۱۳۹۲) در مدل جونز تعدیل شده دو متغیره حدود ۳۲ درصد، رحمانی و اربابی (۱۳۹۳) در مدل کاسنیک چهار متغیره حدود ۶۰ درصد، بلی لاک و همکاران (۲۰۱۴) در مدلی ۱۰ متغیره حدود ۴۳ درصد و در پژوهش چن، دالی وال و ترامبلی (۲۰۱۲) در مدلی ۱۱ متغیره حدود ۴۰ درصد بوده است. مقدار آماره دوربین واتسون به ترتیب برابر ۳.۹۵ و ۳.۳۹ می باشد که مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم خود همبستگی باقیمانده‌ها که یکی دیگر از فروض رگرسیون است را نشان می دهد. بنابراین خود همبستگی بین باقیمانده‌ها وجود ندارد. مطابق با **جدول (۳)** نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین انطباق مالیات دفتری با مدیریت سود (فرضیه پژوهش)، با استفاده از مدل مدیریت سود جونز تعدیل شده و عدم وجود رابطه معنادار با استفاده از مدل مدیریت سود کاسنیک در سطح ۹۵٪ است. همچنین لازم به توضیح است که متغیر زبان تنها در مدل کاسنیک دارای رابطه معنادار بوده است و متغیرهای تورم و ماده ۱۴۱ در هر دو مدل دارای رابطه معنادار و منفی می باشد. در توضیح این معافیت می توان بیان داشت معافیت‌های مالیاتی در هر کشور به عنوان یک ابزار تشویقی برای جهت دادن به سرمایه گذاری ها مورد استفاده قرار می گیرند. دولت‌ها با استفاده از معافیت مالیاتی سعی می کنند نقدینگی جامعه را به سمت طرح‌های عام‌المنفعه و کم بازده سوق دهند. موضوع ماده ۱۴۱ مطابق با قانون مالیات‌های مستقیم به این شرح است که: الف) صد در صد (۱۰۰٪) درآمد حاصل از صادرات محصولات تمام شده‌ی کالاهای صنعتی و محصولات بخش کشاورزی شامل محصولات زراعی، باغی، دام و طیور، شیلات، جنگل و مرتع و صنایع تبدیلی و تکمیلی آن و پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد حاصل از صادرات سایر کالاهایی که به منظور دست یافتن به اهداف صادرات کالاهای غیرنفتی به خارج از کشور صادر می شوند از شمول مالیات معاف هستند. ب) صد در صد (۱۰۰٪) درآمد حاصل از صادرات کالاهای مختلف که به صورت ترانزیت به ایران وارد شده یا می شوند و بدون تغییر در ماهیت یا با انجام کاری بر روی آن صادر می شوند از شمول مالیات معاف است. سایر متغیرها در مدل های پژوهش رابطه معنادار نداشته اند.

جدول (۳) برازش مدل جونز تعدیل شده و کاسنیک

| مدل جونز تعدیل شده (مدل ۱) |                      |              | مدل کاسنیک (مدل ۲) |                     |                      |              |                |
|----------------------------|----------------------|--------------|--------------------|---------------------|----------------------|--------------|----------------|
| مقدار احتمال               | مقدار t              | مقدار ضرایب  | مقدار احتمال       | مقدار t             | مقدار ضرایب          | پارامترها    |                |
| ۰/۷۷۱                      | ۰/۳۹۲                | -۰/۱۲۶       | -۰/۴۲۲             | -۰/۸۰۵              | -۰/۴۰۰               | C            |                |
| *۰/۰۵۰                     | ۱/۹۵۶                | -۰/۱۴۹       | -۰/۸۴۸             | -۰/۱۹۲              | -۰/۰۲۶               | EtX          |                |
| -۰/۸۵۳                     | -۰/۱۸۵               | -۰/۰۰۲       | -۰/۴۰۳             | -۰/۸۳۷              | -۰/۰۰۷               | INST         |                |
| -۰/۴۷۹                     | -۰/۷۰۹               | -۰/۰۱۳       | -۰/۳۶۷             | -۰/۹۰۳              | -۰/۰۲۱               | FFT          |                |
| -۰/۹۸۹                     | -۰/۰۱۴               | -۰/۰۰۱       | -۰/۳۷۲             | -۰/۸۹۴              | -۰/۰۶۵               | SIZE         |                |
| -۰/۱۹۰                     | ۱/۳۱۴                | -۰/۰۳۸       | -۰/۷۰۹             | -۰/۳۷۴              | -۰/۰۱۶               | CONS         |                |
| -۰/۱۹۱                     | ۱/۳۱۱                | -۰/۱۰۲       | -۰/۶۱۴             | -۰/۵۰۵              | -۰/۰۵۳               | EXC_132      |                |
| -۰/۷۸۶                     | -۰/۲۷۲               | -۰/۰۲۰       | -۰/۸۹۷             | -۰/۱۳۰              | -۰/۰۱۰               | EXC_138      |                |
| *۰/۰۴۴                     | ۲۰/۲۹                | -۰/۰۵۱       | *۰/۰۰۵             | ۲/۸۳۳               | -۰/۰۶۶               | EXC_141      |                |
| -۰/۰۶۶                     | ۱/۸۴۴                | -۰/۲۶۰       | -۰/۰۹۴             | ۱/۶۸۱               | -۰/۱۶۵               | LEV          |                |
| -۰/۵۰۰                     | -۰/۶۷۵               | -۰/۰۵۴       | -۰/۴۳۵             | -۰/۷۸۲              | -۰/۰۶۶               | RET          |                |
| -۰/۰۷۱                     | ۱/۸۱۶                | -۰/۰۹۰       | *۰/۰۱۵             | ۲/۴۳۹               | -۰/۰۷۲               | LOSS         |                |
| *۰/۰۳۴                     | ۲/۱۳۸                | -۰/۰۰۲       | *۰/۰۲۹             | ۲/۱۹۴               | -۰/۰۰۲               | INF          |                |
| ۰/۸۷۳                      | ضریب تعیین           | ۳/۹۵۱        | دوربین واتسون      | ۰/۸۹۸               | ضریب تعیین           | ۳/۳۹۰        | دوربین واتسون  |
| ۰/۷۶۰                      | ضریب تعیین تعدیل شده | ۷/۷۶۸        | مقدار F            | ۰/۸۰۸               | ضریب تعیین تعدیل شده | ۹/۸۹۷        | مقدار F        |
|                            |                      | *۰/۰۰۰       | مقدار احتمال F     |                     |                      | *۰/۰۰۰       | مقدار احتمال F |
| آزمون چاو یا لیمر          |                      |              |                    | آزمون چاو یا لیمر   |                      |              |                |
| مقدار احتمال               | مقدار                | آزمون اثرات  |                    | مقدار احتمال        | مقدار                | آزمون اثرات  |                |
| *۰/۰۰۰                     | ۷/۳۳۴                | مقدار F      |                    | *۰/۰۰۰              | ۹/۰۰۲                | مقدار F      |                |
| *۰/۰۰۰                     | ۹۱۴/۵۰۳              | مقدار کای دو |                    | *۰/۰۰۰              | ۹۹۶/۲۸۵              | مقدار کای دو |                |
| نتیجه                      |                      | آزمون هاسمن  |                    | نتیجه               |                      | آزمون هاسمن  |                |
| مدل با اثرات ثابت          |                      | مقدار احتمال | مقدار کای دو       | مدل با اثرات تصادفی |                      | مقدار احتمال | مقدار کای دو   |
|                            |                      | *۰/۰۵۰       | ۳۱/۰۴۳             |                     |                      | ۰/۰۷۲        | ۱۹/۷۴۱         |

## آزمون های تکمیلی

- ۱- در بررسی اثر تورم بر میزان انطباق مالیاتی، مدل به طور مجدد اجرا شده است که نتایج **جدول (۴)** ارایه شده است. طبق نتایج بدست آمده، میزان انطباق مالیاتی تعدیل شده براساس شاخص تورم با مدیریت سود در مدل کاسنیک ارتباط معناداری داشته است. دلیل این موضوع افزوده شدن متغیر تغییرات در موجودی کالا به مدل کاسنیک بوده که با محیط اقتصادی ایران سازگار است. با توجه به اینکه موجودی مواد و کالا در شرکت های ایرانی بخش قابل توجهی از دارایی های جاری شرکت ها را تشکیل می دهد در نتیجه با وجود تورم زیاد در اقتصاد ایران ابزار قابل استفاده ای برای مدیریت سود به شمار می رود.
- ۲- در آزمون تکمیلی صورت گرفته، ماده ۱۴۱ در مدل جونز تعدیل شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان دهنده ارتباط معناداریست در حالی که در مدل کاسنیک بی معنا بوده است که با نتایج **جدول (۳)** متفاوت است که می توان نتیجه گرفت که معافیت ماده ۱۴۱ ق.م.م در آمد مشمول مالیات و نحوه محاسبه سود را تحت تأثیر قرار داده است.

## جدول (۴) برآزش مدل جونز تعدیل شده و کاسنیک تعدیل شده براساس شاخص تورم سالیانه

| مدل جونز تعدیل شده |                |              | مدل کاسنیک          |                |              |               |
|--------------------|----------------|--------------|---------------------|----------------|--------------|---------------|
| مقدار احتمال       | مقدار t        | مقدار ضرایب  | مقدار احتمال        | مقدار t        | مقدار ضرایب  | پارامترها     |
| -/۷۷۲              | -/۲۹۱          | ۰/۱۲۶        | -/۱۴۳               | ۱/۴۷۱-         | ۰/۳۸۹-       | C             |
| -/۶۸۱              | ۰/۴۱۲          | ۰/۱۲۷        | *-/۰.۰۳             | ۳/۰۱۴          | -/۰.۰۷       | EtX           |
| -/۸۵۴              | ۰/۱۸۵-         | -/۰.۰۲-      | -/۱۱۰               | ۱/۶۰۶          | -/۰.۰۷       | INST          |
| -/۴۹۷              | ۰/۶۸۱-         | -/۰.۱۲-      | -/۳۴۴               | ۰/۹۴۸          | -/۰.۱۱       | FFT           |
| -/۹۹۳              | ۰/۰۰۹          | ۰/۰۰۱        | -/۰.۸۲              | ۱/۷۴۹          | -/۰.۷۴       | SIZE          |
| -/۱۹۷              | ۱/۲۹۳          | ۰/۰.۳۸       | -/۷۳۷               | -/۲۳۶          | -/۰.۱۱       | CONS          |
| -/۱۹۹              | ۱/۲۸۹          | ۰/۱۰۲        | -/۲۳۳               | ۱/۱۹۶          | -/۰.۵۰       | EXC_132       |
| -/۷۸۷              | ۰/۲۷۰-         | ۰/۰.۲۰-      | -/۷۶۹               | -/۲۹۴          | -/۰.۱۵       | EXC_138       |
| *-/۰.۵۲            | ۱/۹۵۲-         | ۰/۰.۵۱-      | -/۳۱۶               | ۱/۰۰۵-         | ۰/۰.۷۹-      | EXC_141       |
| -/۰.۶۹             | ۱/۸۲۸-         | ۰/۲۵۹-       | *-/۰.۰۳             | ۳/۰۶۱-         | ۰/۱۸۹-       | LEV           |
| -/۵۰۱              | ۱/۶۷۴-         | ۰/۰.۵۵-      | -/۱۵۵               | ۱/۴۲۵-         | ۰/۰.۶۰-      | RET_AT        |
| -/۰.۷۱             | ۱/۸۱۳-         | ۰/۰.۹۰-      | *-/۰.۰۱             | ۳/۳۱۶-         | ۰/۰.۷۱-      | LOSS          |
| -/۸۷۳              | ضریب تعیین     | ۳.۹۵۰        | ۰/۹۰۲               | ضریب تعیین     | ۳/۴۹۸        | دوربین واتسون |
| *-/۰.۰۰            | مقدار احتمال F | ۷.۷۰۲        | *-/۰.۰۰             | مقدار احتمال F | ۱۰/۲۲۸       | مقدار F       |
| آزمون چاو یا لیمر  |                |              | آزمون چاو یا لیمر   |                |              |               |
| مقدار احتمال       | مقدار          | آزمون اثرات  | مقدار احتمال        | مقدار          | آزمون اثرات  |               |
| *-/۰.۰۰            | ۷/۲۸۶          | مقدار F      | *-/۰.۰۰             | ۹/۲۰۷          | مقدار F      |               |
| *-/۰.۰۰            | ۹۱۳/۴۶۹        | مقدار کای دو | *-/۰.۰۰             | ۱۰۰.۷/۱۸۶      | مقدار کای دو |               |
| نتیجه              |                | آزمون هاسمن  | نتیجه               |                | آزمون هاسمن  |               |
| مدل با اثرات ثابت  |                | مقدار احتمال | مدل با اثرات تصادفی |                | مقدار احتمال | مقدار کای دو  |
|                    |                | ۰/۰.۲۹       |                     |                | ۲۴/۲۵۵       | ۰/۰.۹۵        |

منبع: یافته های پژوهش

### ۶. بحث و نتیجه گیری

اقدام تعیین کننده سود از منظر قوانین و مقررات مالیاتی و استانداردهای حسابداری، متفاوت هستند و از طرفی اختلاف دیدگاه در مورد مالیات بر درآمد بین شرکتها و دولت وجود دارد که دولت سهم خود را از فعالیتهای درآمدزا و سود کسب شده طلب می کند و در مقابل



شرکت‌ها آن را به دید هزینه تحمیل شده قلمداد می‌کنند. تبعات این دو دیدگاه موجب بروز اختلافات در میزان درآمد مشمول مالیات و مالیات دفتری (ابرازی) از سوی شرکت‌ها با برگه‌های تشخیص و قطعی صادر شده توسط سازمان مالیاتی می‌گردد این تفاوت ناشی از تفاوت سود توسط شرکت‌ها براساس دو مبنای فوق می‌باشد. از طرفی می‌توان بیان داشت اختلاف دیدگاه‌ها در واقع نوعی ضعف در انطباق بین قوانین و اصول حسابداری است که ممکن است در مواردی مورد سوء استفاده قرار گیرد. نتایج این پژوهش حاکی از این است که بخشی از این تفاوت توسط مدیریت سود قابل توضیح است و این تفاوت با مدیریت سود رابطه‌ی معناداری دارد اما نه به طور کامل، در واقع نتایج این پژوهش درمدل جونز تعدیل شده (مدل ۱) بیان کننده این مطلب است که مدیران با هدف مالیاتی اقدام به مدیریت سود می‌کنند که در واقع این عمل با مدیریت درآمد مشمول مالیات صورت می‌گیرد و به طور کلی مدیریت سود، نتایج عملیات شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سازگار با پژوهش‌های گذشته نظیر برکس و همکاران<sup>۳۴</sup> (۲۰۱۳) و بلی لاک و همکاران (۲۰۱۴)، در مقایسه با میانگین نرخ مالیات قانونی برای قاره‌های مختلف از جمله اروپا، آمریکای مرکزی، آمریکای شمالی و آسیای شرقی، نتایج بیانگر وجود یک ارتباط قوی بین انطباق مالیات دفتری و مدیریت سود در بین شرکت‌های سهامی عام است. علاوه براین در پژوهش‌های داخلی به طور مثال در پژوهش خانی و سلطانی (۱۳۹۲) با استفاده از مدل تعدیل شده جونز نیز رابطه مثبت بین گزارشگری مالی و مالیاتی متهورانه مشاهده شده است. در نتیجه در مواردی که بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی عدم انطباق اساسی دیده می‌شود، مدیران می‌توانند در یک دوره مالی سود بیشتری را به سهامداران و سود کمتری را به مقامات مالیاتی اظهار کنند. از این رو، حساب‌رسان باید هنگام مشاهده اختلاف مالیات دفتری زیاد احتمال وجود مدیریت سود رو به بالا را مد نظر قرار دهند. همچنین نتایج حاصل از برازش مدل کاسنیک (مدل ۲) بیانگر عدم ارتباط معنی‌داری بوده که مغایر با نتیجه پژوهش رحمانی و اربابی (۱۳۹۳) بوده که بیانگر ارتباط معنی دار بین مالیات دفتری و مدیریت سود در مدل کاسنیک است.

## پیشنهادها برای پژوهشهای آتی

پیشنهاد می شود در پژوهش ات آتی به بررسی ارتباط کیفیت گزارش های مالی شرکت هایی که مالیات دفتری با مدیریت سود ارتباط معنادار داشته، ارتباط تقلب در حسابداری شرکت های که مالیات دفتری با مدیریت سود ارتباط معنادار داشته، بررسی شاخص های حاکمیت شرکتی در شرکت هایی که مالیات دفتری با مدیریت سود ارتباط معنادار داشته، پرداخته شود. در نهایت با توجه به الزام بورس اوراق بهادار مبنی بر ارائه گزارش های مالی سال ۱۳۹۵ بر مبنای استانداردهای حسابداری بین المللی (IFRS)، پیش بینی می شود که این موضوع بر وضعیت مالیاتی شرکت ها تأثیر گذار باشد، بنابراین میزان انطباق قانون مالیاتی با استانداردهای فوق و تأثیر آن بر عملکرد شرکت ها می تواند در پژوهش ات آتی مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

۱. ابراهیمی، سیدکاظم، سید، احمدی مقدم، منصور. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مدیریت مالیاتی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۵، ص ۷۷-۹۴.
۲. اداره کل نظارت مالی و امور ذی حسابی، (۱۳۹۴)، قابل دسترس در <http://mefa.ir/Portal>
۳. انصاری، عبدالمهدی، خواجوی، حسین، (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط هموارسازی سود با قیمت بازار سهام و نسبت های مالی، مجله پژوهش های حسابداری مالی سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۸)، ص ۳۳-۵۰.
۴. بهارمقدم، مهدی و علی کوهی. (۱۳۸۹)، بررسی نوع مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، سال اول، شماره ۲، ص ۹۳-۷۵.
۵. پورحیدری، امید. شفیع همت آباد، حمیده. (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکت ها بر مدیریت سود؛ مورد مطالعه اصلاحیه ی قانون مالیات های سال ۱۳۸۰، پژوهش های کاربردی و گزارشگری مالی سال دوم، شماره ۲، ص ۲۵-۴۴.
۶. خانی، عبدالله. صالحی ولاشانی، نسیمه. (۱۳۹۱)، بررسی ثبات سود، ارقام تعهدی و جریان وجه نقد عملیاتی در شرکت های با اختلاف دفتری مالیات، پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۴، ص ۸۸-۱۰۵.
۷. خانی، عبدالله، اسفریزی، سلطانی، علیرضا. (۱۳۹۲)، گزارشگری مالی متهورانه و رابطه آن با گزارشگری مالیاتی متهورانه، مجله اقتصادی سال سیزدهم شماره های ۵ و ۶ ص ۵-۱۶.
۸. خدای پور، احمد، روستایی، شکوفه. (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی آن، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم ا شماره دهم، ص ۳۵-۴۶.

دوره (۱)، شماره (۱)، سال ۱۳۹۶، صفحه ۰۰۰-۰۰۰...

۹. رحمانی، علی. اربابی بهار، زهرا، (۱۳۹۳)، رابطه‌ی تفاوت مالیات تشخیصی و ابزاری با مدیریت سود، مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۶۱-۸۳
۱۰. شرکت اطلاع رسانی بورس، (۱۳۸۷)، قوانین و مقررات بازار سرمایه، قابل دسترس در <http://www.seo.ir/>
۱۱. طالب نیا، قدرت اله، موثق، رحمان، (۱۳۹۰)، علل عمده وجود اختلاف بین سود ابزاری و سود مشمول مالیات قطعی شده اشخاص حقوقی، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۳، شماره ۱۱، ص ۱۳۳-۱۵۴
۱۲. عنایتی زاده، عباس. (۱۳۸۷)، بررسی تفاوت حسابداری مالیاتی انجام شده توسط حسابداران عضو جامعه حسابداران رسمی و مأموران تشخیص مالیات سازمان امور مالیاتی در تعیین میزان درآمد مشمول مالیات، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشهد، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی.
۱۳. مسیح آبادی، ابوالقاسم، شورورزی، محمدرضا. دجلانی، جواد، (۱۳۹۲)، سود حسابداری و سود مشمول مالیات. یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران.
۱۴. مهرانی، ساسان، سیدی، سیدجلال، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت ها، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی، مدیریت سال سوم/شماره دهم، ص ۱۳-۰۳.

1. Atwood, T., Drake, M., & Myers, L. (2010). Book-tax conformity, earnings persistence and the association between earnings and future cash flows. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 111-125.
2. Blaylock, B., Gaertner, F., & Shevlin, T. (2014). The association between book-tax conformity and earnings management. *Review of Accounting Studies*, 20(1), 141-172.
3. Blaylock, B., Shevlin, T., & Wilson, R. (2012). Tax avoidance, large positive temporary book-tax differences and earnings persistence. *The Accounting Review*, 87, 91-120.
4. Blouin, J., Balakrishnan, K. & W. Guay (2011), "Does Tax Aggressiveness Aeduce Financial Reporting Transparency? ", University of Pennsylvania, Available at: <http://ssrn.com>.
5. Boynton, C., P. Defilippes & E. Lege (2005), "Prelude to Schedule m-3: Schedule m-1 Corporate Book Tax Difference Data", Proceedings of the Annual Conference on Taxation, Washington, D. C.: National Tax Association- Tax Institute of America, PP. 131-137
6. Brant E. Christensen, Adam J. Olson, Thomas C. Omer, 'The Role of Audit Firm Expertise and Knowledge Spillover in Mitigating Earnings Management through the Tax Accounts', March 2014.
7. Burks, K., Randolph, D., & Seida, J. (2013). Modeling and interpreting interactions in tradeoff research. Working Paper. University of Notre Dame.
8. Christoph Watrin, Nadine Ebert, and Martin Thomsen (2014) Book-Tax Conformity and Earnings Management: Insights from European One- and Two-Book Systems. *The Journal of the American Taxation Association*, 36,( 2), pp. 55-89.
9. Dechow, P., Skinner, D., & Sweeney, A. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70, 193-225.
10. Desai, M. & D. Darmapala (2004), "Corporate Tax Avoidance and High-Powered Incentives", *Journal of Financial Economics*, Vol. 79, No. 1, PP. 145-179.

11. Dhaliwal, Dan. S. (2009), "Book Tax Differences, Uncertainty about Information Quality and Cost of Capital", Working Paper
12. Erickson, M., M. Hanlon, and E. Maydew. (2004). How much will firms pay for earnings that do not exist? Evidence of taxes paid on allegedly fraudulent earnings. *The Accounting Review* 79 (2): 387-408.
13. Gross, D. (2003), "Higher Profits, Lower Taxes, It's not Just Enron. That's been Dodging Corporate Income Taxes", Available at: [www.slat.msh.com](http://www.slat.msh.com).
14. Hanlon, M. (2005). "The persistence and pricing of earnings, accruals, and cash flows when firms have large book tax differences," *The Accounting Review* 80(1): 137-166.
15. Hanlon, M. Laplante, S.K. Shevlin, T. (2005), Evidence for the Possible Information Loss of Conforming Book Income and Taxable Income, *Journal of Law and Economics*, 407-442
16. Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics* 50 (2-3): 127-178
17. Hanlon, M., E. Maydew, and T. Shevlin. (2008). An unintended consequence of book-tax conformity: A loss of earnings informativeness. *Journal of Accounting and Economics* 46:294-311.
18. Jackson, M. 2011. " Book-tax differences and earnings growth". Social Sciences Research Network Electronic Paper Collection :<http://ssrn.com>
19. Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29, 193-228.
20. Kvaal, E., & Nobes, C. (2012). On the definition and measurement of book-tax conformity. Working Paper, University of London.
21. Lang, M., Lins, K. V., & Maffett, M. (2012). Transparency, liquidity, and valuation: International evidence on when transparency matters most. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 729-774.
22. Linda H. Chen, Dan S. Dhaliwal, and Mark A. Trombley, 2012. "Consistency of Book-Tax Differences and the Information Content of Earnings". *Journal of the American Taxation Association*, Vol. 34, No. 2, pp. 93-116.
23. Mulyadi M. S, Anwar Y. (2015), Corporate Governance, Earnings Management and Tax Management, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 177, , 363-366.
24. Plesko, G. (2001), "Book Tax Differences and the Measurement of Corporate Income, in Proceedings of the Ninety-Second Annual Conference (Washington D.C. National Tax Association – Tax Institute of America), PP. 171-176
25. Wiem Dridi & Adel Boubaker. The Difference between the Accounting Result and Taxable Income in Detecting Earnings Management and Tax Management: The Tunisian Case. Received: April 1, 2015 Accepted: May 6, 2015 Online Published: June 20, 2015 doi: 10.5539/ijbm.v10n7p131 URL: <http://dx.doi.org/10.5539/ijbm.v10n7p131>
26. Yun sung Koh, Seun-young Park, Jong-su Han. 2011. " Conformity Between The Book Income & Taxable Income Of Family Firms, And Its Value Relevance: Empirical Evidence From Korea". The 12th Asian Academic Accounting Association, 8 – 12 October 2011, Bali – Indonesia.